

خودشناسی

جلسه خودشناسی - ۵ محرم ۱۴۰۴

استاد حسین نوروزی

پنجم ماه محرم (۱۰ تیر ۱۴۰۴)

* متن تولید شده با هوش مصنوعی - ادیت نشده

عجله کردن کار خوبی نیست ان الله لا يعجل عجله العباد امام صادق علیه السلام فرمود که خدای متعال به خاطر عجله بندگان عجله نمی‌کند عجله ریشه در توهم دارد انسان وقتی تو ذهنش. به جایی رو به چیزی رو به مقصدی رو به نتیجه‌ای رو هدف‌گیری می‌کند نشانه‌گیری می‌کند و دلبسته اون مقصد و هدف می‌شه برای رسیدن بهش سر از پا نمی‌شناسه در نتیجه عجله می‌کند مقصدهای ذهنی هدف‌های ذهنی که ما تو ذهنمون. به به چیزی به جایی به هدفی می‌خوایم برسیم دیگه هدفم که هدفه دیگه یعنی انسان برای رسیدن به هدفش همه کار می‌کند همه کار می‌کند از همه خط قرمزها عبور می‌کند دیگه هیچ حد و مرزی رو نمی‌شناسه هدفه دیگه اگر اون هدف. هدفی ذهنی باشه نه واقعی نه حقیقی نه حقیقت نه خدا نه واقعیت به چیزی که دلش می‌خواد ولو اسمشو خدا گذاشته باشه برای رسیدن به اون خدایی که تو ذهنش توصیفش کرده و ارزش نما و شمالی رو به خوبی. با ادق معانی تصویر کرده توصیف کرده به اون می‌خواد برسه عجله می‌کند اون خدایی که ما تو ذهنمون هدف قرارش میدیم اون خدا نیست مخلوق ذهن ماست نه خالق ذهن ما خالق ما مخلوق ما همیشه تو ذهن آوردی هدفو دیگه اون هدف نیست. اسمشو هدف گذاشتی ولی داری عجله می‌کنی برای رسیدن بهش این عجله نشانه اینه که هدفو اشتباه گرفتی العجله تو من الشیطان توهم هدف داری دریافت صحیح و درست و واقعی از هدف هنوز پیدا نکردی می‌گن هدفت چیه می‌گی خدا ولی برای رسیدن به خدا عجله می‌کنی. معنا نداره خدا یعنی اونی که همه چیزش سر جاشه به وقتشه به جاشه عدل حق عجله یعنی بیجا هر کاری رو شما دیدی داری عجله می‌کنی بدون داری از ذهنت ضربه می‌خوری تو ذهنت به چیزی رو ساخته پرداخته کردی رفتی تو فضای عالم هیروت. توهم در نتیجه خرابکاری یعنی هدف اونیه که هر کاری رو توجیه می‌کنه هر کاری رو اصلاً هدف یعنی این این معنا را از رو هدف برداری دیگه هدف هدف نیست معنی هدف اینه که هر کاری رو توجیه می‌کنه هدف اگر خدا نباشه حقیقت نباشه حق نباشه شما حسابشو بکن هر کاری را بخواد توجیه کنه. چه اتفاقی می‌فته خود حقیقت رو هم توجیه می‌کنه خود حقیقت وقتی هدف نشد همیشه وسیله برای رسیدن به اون خواسته‌های ذهنی که جای خدا

رو گرفته به نام خدا نشسته تو ذهنت خود خدا و حقیقت رو هم ذبح می‌کنیم فدای آخرت تو به دنیا و غیر خدا می‌فروشی و می‌حسبون انم. یحسبون ثنا اینا خیال می‌کنند که دارن کار خوبی می‌کنن میگن ما هدف مقدسی داریم این هدف مقدست حقه یا غیر حقه اون حقی که میگه حقه تو ذهنته یا متن واقعیه کدوم خدا خدای توهمی خدای حقیقی خدای حقیقی یعنی همینیه که هست میگه آخه اینکه نمی‌شه تموم شد. این که همیشه آخه اینکه هیچیش درست نیست هیچیش درست نیست باید برم درستش کنم رضایت از بین رفت مقام رضا غیر از مرحله وظیفه است توی مرحله‌ای است که شما باید به اون که همیشه راضی باشی نه اون که می‌خواه هرچه دلم خواست نه اون شد هرچه خدا خواست همان شد. به کدام راضی میشی گفتنش البته آسونه ها نمی‌دونم که چی شد این بحث اصلاً پیش اومد و مطرح کردیم هرچه دلم خواست نه آن شد به مرتبه بحثمونو اینجوری شد عجله از شیطان و عجله نتیجه توهم به جای خدا غیر خدا رو در ذهنت نشانه گیری کردی. غیر خدا میتونه کار خدا رو کنه نمی‌تونه حالا ما عجله نکنیم از خدا بخوایم خدا عجله کنه این چطوره این خوبه چون عجله خدا یعنی حق یعنی به جا یعنی درست اگر خدا عجله کنه یعنی شرایط فراهم کنه همه مقدمات بچینه اگر به ماشین. معمولی باشه بخواد به مسیر مثلاً ۱۰۰ کیلومتر بره اینکه این چقدر بتونه سرعت بره خیلی بتونه سرعت بره مثلاً ۱۰۰ کیلومتر در سال این جاده هم حالا جاده مناسبی هم نباشه حالا اگر به کسی بیاد عجله کنه خدا عجله کنه یعنی ماشینو تبدیل کنه به به ماشین که می‌تونه سرعت ۳۰۰ کیلومتر در ساعت بره. جاده رم تبدیل کنه به به جاده‌ای که هرچی گاز بدی بری آزاد راهه که آزاد سرعت هرچی گاز بدی بره الان این به ذهنم رسید مثال واقعیش فرق بین ما و معصومین علیهم الصلا و السلام اینه خدا در مورد اونا عجله کرده در مورد ما عجله نکرده آشن اونا به آپشنیه که سرعت ۳۰۰ کیلومتر در ساعت. مثل برق لامه در روایت داره عبور می‌کنن از پل صراط یعنی تا ما آمدم چشم به هم بزنین به نگاه به دنیا کرد همشو دید تا تهشو رفت این ارزش نداره این نمی‌تونه هدف باشه به درد نمی‌خوره ولش کرد دل بهش نبست حالا ما باید بریم چقدر جون بکنیم چقدر. وقت صرف کنیم عمرمونو طلب کنیم به خاطر دنیا حرص بخوریم غصه بخوریم جوش بزنین تا خرده خورده هی بفهمیم عجب بابا عجب دنیای نامردیه عجب دنیای بی‌وفاییه هی خورده خورده درجات ایمانمون بالا بره برامون مطالب هی جا بیفته تازه اگر جا بیفته این عبور از پل صراطه دیگه داریم رد می‌شیم. یکی زود دل می‌کنه ول می‌کنه یک جون می‌کنه می‌خواد دل بکنه این جمله از یکی از ثروتمندان خیلی ثروتمند یادم نمیره که توی صحبتی سخن گفتگویی که داشتیم رسید به اینجا که گفت ببین پول وقتی آدم خیر بودا گفت به قلبم بنده می‌خوام پول بدم باید از قلبم بکنم. خگ قابل مقایسه با اینای دیگه نیست اصلاً ولی گفت از جیبم در میارم اما نه دارم از قلبم می‌کنم چی شده که ما پول به جای اینکه بره تو جیبمون بره تو حساب بانکمون رفته تو قلبمون آخه قلب که جای پول نیست بعد می‌بینیم زندگیا مون همراه با رنج و فشار و مصیبت و. گرفتاری همش غصه می‌خوریم همش حرص می‌خوریم همش ناراحتیم چون هیچ چیزی تو

وجودمون سر جاش نیست فرمودند که القلوب حرم الله قلب حرم خداست لا تسكن حرم الله غير الله تو حرم خدا غير خدا وارد نکن غير خدا رو وارد می‌کنیم بعد می‌بینیم همش دلمون شور میزنه. خوب غير خدا رو تو حرم خدا وارد کردی باید دلت شور بزنه بعد می‌بینیم محزونی گریانی غصه داری می‌ترسیم ترسو غم و غصه و گریه عذاب خداست جهنم خداست. الا ان اوليا الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون اوليا خدا نه می‌ترسند نه غصه دار میشن چیکار کنیم که ديگه عجله نکنیم که ديگه غصه نخوریم که ديگه گریه نکنیم که انقدر نترسیم محزون نباشیم دلمون شور نزنه دلمون از محبت غير خدا خالی بشه. امام رضا قربونش بریم چی فرمود به ابن شبيب فرمود ی بن شبيب ان كنت باکيا لشی فبک علی الحسين اگر می‌خواهی که ديگه برای هیچ گریه نکنی اشکت در نیاد تو زندگی غصه هیچی رو نخوری برای حسین گریه کن ما خیال می‌کنیم گریه بر ابا عبد الله الحسين با. گریه‌های ديگه خوب اونم گریه است اینم گریه‌ست نه اینجور نیست سنخ گریه برای امام حسین علیه السلام یه سنخیه که همه گریه‌ها رو می‌شوره از بین می‌بره ریشه گریان بودن انسان رو می‌کنه یه کاری می‌کنه که هرچی غير خدا تو دلت اومده محبت غير خدا را از دل پاک می‌کنه می‌شوره می‌بره می‌خواهی مثل برق لامه از. پل صراط رد بشی و عبور کنی یه حزنو به ما یاد دادن گفتن این حزنو داشته باشی ديگه هیچ حزن نداری هیچ غم و غصه‌ای ديگه نخواهی داشت چرا چه جوری میشه ما برای امام حسین گریه می‌کنیم ديگه برای هیچی گریمون نمیاد تموم شد چون مجلس امام حسین یه مجلسیه که ذکر مصائب آن حضرت. پرده‌ها و حجاب‌ها را از روی فطرت ما کنار می‌زنه فطرت ما خداخواه حقیقت‌خواه حق طلب فطرت همه انسان‌ها حقیقت طلبه چرا ما نمی‌بینیمش چرا ما خیال می‌کنیم پول می‌خوایم خونه می‌خوایم زندگی می‌خوایم از هرکی بپرسیم چی می‌خواهی همینا رو میگه هیچکی نمیگه من خدا رو می‌خوام. حقیقتو می‌خوام حق طلبم من غير از حق هیچی ديگه نمی‌خوام چرا کسی نمیگه در حالی که غير از حق هیچی ديگه نمی‌خواهی پاش بیفته حاضری همه چیز تو فدا کنی برای اینکه حق باشه به حق برسی پاش بیفته یعنی چی یعنی حجاب‌ها کنار بره پرده‌ها کنار بره ببینی حقیقتو حاضر میشه برای رسیدن به حق از هر چیزی بگذری هنوز نمی‌دونی حق یعنی چی. هنوز پاش نیفتاده هنوز سر اون بزنگاه اون دوراهیه نرسیدیم دیدی بعضیا دعوا می‌کنن تو خیابون یه مرتبه با هم دعواشون میشه بعد می‌بینی که یه اقداماتی می‌کنن که تو حالت عادی اون کارا رو نمی‌کنن هر کاری از دستشون بر بیاد می‌کنند هر کاری یه وقت می‌بینی یه قتل گردنشو گرفت میگم زدی کشتیش اون لحظه. میگه حق منو ضایع کرده بود قید همه چی رو زدم به هر قیمتی شده من باید حقشو کف دستش بذارم بعداً پشیمون میشه ها چون دوباره اون حجاب میاد رو فطرتشو می‌گیره فطرت حق طلب و حقجو رو می‌بنده می‌گیره ديگه پشیمون میشه میگه آخه من چیزای ديگه هم می‌خوام آخه چه کاری بود من هرچی از دستم درد هر کاری کردم یهو چه جوری من تونستم این همه کارا رو انجام بدم عقلم نرسید. منافع خودمو به خطر انداختم زدم کشتم حالا باید قصاص کنم حالا باید دیه بگیرم حالا باید زندان برم حالا بیچاره شدم اگر پرده‌ها از روی

فطرت حق طلب ما ولو برای یک لحظه کنار بره و حقتو ببین دیگه هیچی رو حاضر نیستی باهاش عوض کنی هر کاری رو که من هر منفعتی دارم خرج می‌کنم هزینہ می‌کنم. اینکه اونجا اون کاری که انجام میدہ درست بوده یا درست نبوده اون یه بحث دیگه است چرا اینجوری شد یهو چرا دیگه ندید منافع دنیا شو دیگه ندید محاسباتش به ته رسید یه مرتبه دیگه هیچ محاسبه دیگه نداشت اصطلاحاً می‌گیم عصبانی شد خشمگین شد چرا آدم خشم می‌گیره این کارو می‌کنه اصلاً خشم یعنی چی. می‌گیم خون جلوی چشماشو گرفت چرا خون جلوی چشماشو می‌گیره برای چی باید بگیره چرا از حالت عادی خارج شدی برای اینکه یه چیزی رو دید که دید هیچی با اون چیز برابری نمی‌کنه و اون حقه فطرت حق جو و حق طلبش آشکار شد بی‌پرده شد پرده‌ها از جلوی چشمش کنار رفت اون حق طلبی به خروش و جوشش افتاد می‌گیم عصبانی شد. جوش داغ کرد حمام که امیرالمومنین علیه السلام نصیحتشون کرد آخر کار جان به جان آفرین تسلیم کرد یه سیحہ‌ای کشید و مرد تحمل و ظرفیت دیدن حقیقت رو نداشت پرده‌ها را حضرت از جلوی چشمش کنار زد اصحاب امام حسین شب عاشورا چی گفتن این زبان همشون ها یکی دوتاشون حضرت. انگشتاشو اینجوری کرد گفت نگاه کنید جایگاهتونو حقیقتو نشونشون داد حالا یه پرده‌ای از حقیقت یه خورده از این پرده‌ها کنار رفت بعد بهشون گفت همه شما فردا شهید میشید هرکی می‌خواد بره بره یه عده رفتن یه عده موندن گفت شما برای چی موندین مگه نمی‌دونین که فردا کشته می‌شه گفتن که ما فهمیدیم شما فرمودید ما هممون کشته می‌شیم خب باشه کشته می‌شیم این برای ما مهم نیست. برحق هستیم یا برحق نیستیم این برای ما مهمه ارزش و فضیلت اصحاب امام حسین علیه السلام اینه چیزای دیگه هم حالا اونا سطحش پایین‌تره همش خوبه همش اون راس و کمال فهم و شعور این‌ها نسبت به حقیقت و معرفت اینها باعث شد که به امام حسین بگن که آقا ما بر حق هستیم یا نیستیم جواب اینو به ما بده. که کشته می‌شیم نمی‌شیم دیگه ما اصلاً برامون هیچ فرقی نداره چه اتفاقی می‌خواد بیفته بر حقی یا بر حق نیستیم واقعا ما اینو تو وجود خودمون می‌بینیم که ما هم همینجوریم حقیقت فطرت هممون همینه که اگر با حق باشیم دیگه هیچی برامون مهم نیست هیچ اتفاقی هر بلایی می‌خواد سرمون بیاد بیاد مهم نیست. چرا الان اینجوری نیستیم چرا نمی‌گیم چرا بالفعلمون این نیست برای اینکه پرده‌ها جلو فطرتمونو گرفته چیزای دیگه اومده به جای خدا خودشو جا زده به جای حقیقت خودشو جا زده تو قلب ما یکی دوتا هم نیست دنیا که ظلمات نور یکیه ظلمت کیه خیلی خواسته‌ها تو دلمون تجمع پیدا کرده. اینا باید خورده خورده اونایی که عزادار امام حسین علیه السلام میشن کار امام حسین اینه کار مجلس امام حسین اینه که این پرده‌ها رو کنار می‌زنه برای بعضیا دفعی حاصل میشه یه دفعه یهو به خود میاد همه پرده‌ها کنار میره و حقیقت و عیان مشاهده می‌کنه گاهی ظرفیت نداره تحمل نداره. متناسب با ظرفیت آدم که چقدر با حقیقت انس دارد حالاتشون متفاوت میشه یکی حمام که وقتی امیرالمومنین نصیحتشون کنه پایان نصیحت حالا شایدم هنوز پایانشم نبود وسطاش خطبه متقین نهج البلاغه رو ببینید صیحه‌ای که

شما می‌میره یعنی ظرفیت نداره تحمل نداره. حضرتتم بهش فرموده بود به حضرت عرض کرد که سفلی المتقین متقین رو برای من توصیف کن حضرت یه چند جمله‌ای فرمود گفت نه بیشتر می‌خوام بیشتر بگو دید داره پرده‌ها کنار میره داره کیف می‌کنه داره عشق می‌کنه داره حال میاد داره لذت می‌بره ما خیال می‌کنیم لذت حق مثل لذت خوردن و خوابیدن و نمی‌دونم. چرا خیال می‌کنی برای اینکه دلمون پر از محبت غیر خدا و غیر حقه خوب تو حرم خدا غیر خدا رو وارد کردیم بعد مزه حقو نمی‌فهمیم نمی‌کشیم لذت انس و مناجات با خدا رو درک نمی‌کنیم حلاوت داره شیرینی داره قابل مقایسه با این حلاوت و شیرینی‌های دیگه هم نیست اشک بر امام حسین یه اشک از سن اشکای دیگه نیست اشک بر حقیقت. حزن بر حقیقت چون حق می‌دونی امام حسین و اشکت میاد گریه میاد تو مجلسش اومدی به این کسی توجه نمی‌کنه مجلس امام حسین مجلس حقیقت حق خالص دیگه خالص‌تر از امام حسین که حقیقت رو هم خالص بود هم به تمام عیان کرد آشکار کرد. سایر ائمه این کارو نتونستن بکنن نشد خالص بودند اما این اخلاصو نتونستن علنی کنن و رو بیارن فلذا فرمودند که کلنا صفن النجات همه ما سفینه نجاتیم کشتی نجات و سفینه الحسین اوسع و اسر اما کشتی نجات امام حسین غیر از ماهاست اون هم وسیع تره. چون همه حقیقت را عرضه کرده هرکی هر کجا که باشه به هر مقدار ولو کمترین ارادتی به حق داشته باشه کمترین علاقه‌ای کمترین محبتی در دلش از حقیقت باشه به امام حسین جلب می‌شه جذب می‌شه می‌شه اوصح مگر جزء دشمنان دشمنان حق باشه اهل باطل می‌گیم سو انتخاب. وگرنه کمترین درجه حسن انتخاب‌ها را جذب می‌کند حضرت به سمت خودش و اسرع تو مجلس که میاد ذکر مصائب امام حسین ذکر مصائب حقیقت ذکر مصائب شخص نیست یه شخصی است که با حقیقت پیوند خورده راجع به امیرالمومنین چی می‌گیم علی مع الحق حضرت فرمود والحق مع علی. علی علیه السلام با حق پیوند خورد یکیه دیگه شخص نیست این حقه خود حقه گریه برای امام حسین گریه بر حقیقت ولو گریه بر مصیبت دنیایییش باشه ضربات شمشیری که به بدن مطهرش خورده خدای متعال امام حسینو سفارشی کشتی نجاتشو اوسع و اسرع. قرارداد برای ما اول محرم که میشه خدا خودش به ملائکه میگه ما چه جور از این پرچما و اینا شروع می‌کنیم می‌چسبونیم و سیاهی می‌زنیم و ما خیال می‌کنیم که این خب ما زدیم ما این کاره نه حضرت فرمود که اول محرم که می‌شه ملائکه در آسمان‌ها. پیراهن خونی و تکه تکه امام حسین و میارن در آسمان منتشر می‌کنند و به شیعیانمان نشون میدم و شیعیان ما با چشم دلشون اون پیراهن خونینو می‌بینن بعد به جوش و خروش میاد به حرکت در میاد خود خدا برای امام حسین عزاداری کرده خدا به زیارت امام حسین میاد یعنی چی روایت. یعنی مجلس امام حسین مجلس خداست منزار الحسین به کربلا کمن زار الله فی عرشه سر این اجتماع محرم و توجه دل‌ها به امام حسین فطرت الهی انسانه و حسن انتخاب شیعیانش غم امام حسین یه غمیه که همه غم‌ها رو از دل انسان. میشوره و پاک می‌کنه فلذا وقتی وارد مجلس امام حسین میشی می‌بینی دیگه دغدغه‌ای نداری دلت شور نمی‌زنه تا قبلش دلت

شور می‌زد تو مجلس که اومدی راحت شدی احساس آرامش داری دیگه خیالت راحت توجهم نداری که چرا اینجوری میشه فشارم نمیاری که اینجوری بشه همین که میای تو مجلس چون مجلس حقه و فطرت من و شما هم حق طلبه. می‌خوای قبول کن می‌خوای قبول نکن وقتش که برسه پرده‌ها از روی فطرت هممون کنار میره فبصرک الیوم حدید بعد می‌بینی غیر از حق هیچی نمونده و غیر از حق حسن انتخابیا هیچی دیگه نمی‌خوام میگم چه خوب شد غیر حق هیچی نموند خودمون می‌خوایم اینجور بشه حسن انتخابیا خودشون می‌خوان غیر از حق هیچی نمونه. در روایتش که وقت مردن خدای متعال مومن رو اجبار به رفتن نمی‌کنه مومن خودش میگه می‌خوام برم از غیر خدا دل می‌کنه خلیا ممکنه قبل از اینکه به اون مرحله برسن خودشون از غیر خدا دل کندن آماده‌اند آماده بودن معنانش این نیست که حالا میری نه ممکنه ۵۰ سال دیگه هم زنده باشه. موتو قبل ان تموتو قبل از اینکه وقت مردن برسه خودت به حساب خودت برس به مقام موت بره دل بکن تو دنیاست اما فرمودند که معلقا روحش معلق در ملکوت اعلاست بدنش تو دنیاست حقیقت جانش و روحش در ملکوت الله است. امام صادق علیه السلام به ابن شیب فرمود ی ابن شیب ان کنت باکیا اگر گریانی از چیزی اشک تو درآوردم دنیا اینه دیگه اشک آدمو در میاره اگر اشکتو درآوردن در یه روایت داریم که فرحسین به حسین پناهنده شد از اون چیزی که میترسی محزونی. فرار کن به سوی حسین نجات می‌ده غم خوارته چنان غمتو می‌خوره که دیگه از غمت هیچی باقی نمی‌مونه می‌خوای غم‌خوار باشی مثل امام حسین غم‌خوار باش یه وقت شما میای میگی که من در غم شما شریکم غم‌خوار شما هستم همین امام حسین یه جوری غم‌خواری می‌کنه برای همه شیعیانش برای همه مردم بذل محجته فیک خون دلشو می‌ده. خون جانشو می‌ده با همه وجودش داره غم‌خواری هممونو می‌کنه میگه من اینجوری شدم که شماها غصه نخورید یه غمی براتون درست کردم همه غم‌هاتونو از بین ببره هزینه‌شو دادم هزینه‌شو دادم آدمایی که فداکارن فداکاری یعنی چی فداکاری نیست که یک کسی بیاد پول بده به ما بده. بدل محجته فی لیستنقض عبادک من الجحاله فداکار اونیه که راه آسمان‌ها را به ما یاد می‌ده و ما رو تو مسیر فهم شعور عقل با جان خودش با مال خودش حرکت می‌ده گیرم شما یه پولی هم دادی به یک کسی مشکلتش هم حل کرده مشکل دنیاشو حل کرده ربطی به خودش نداره. یه وظیفه‌ای بود باید انجام می‌دادی به خاطر آخرت خودت وظیفه است بحث وظیفه سر جای خودش امام حسین فداکاری کرد با همه وجودش با همه توانش برای اینکه ما بفهمیم برای اینکه ما پرده‌ها از روی فطرتمون کنار بره حجاب‌ها برطرف بشه غم‌ها و غصه هامون بریزه اینقدر که برای پول حساب باز می‌کنیم برای. ریخته شدن این غم و غصه‌ها حساب باز نمی‌کنیم ارزش‌ها رو نمی‌شناسیم تمام انبیا و اولیا خدا اومدن که ما به مقام لا خوف علیهم ولام یحزنون برسیم برسیم به جایی که دیگه هیچ غم و غصه‌ای نداشته باشه نمی‌تونیم این حرفا رو باور کنیم مگه میشه یعنی چی همین چیه خودتم غیر از این هیچی دیگه نمی‌خوای. از بس فطرت ما محجوب شده محبت غیر خدا تو دل ما اومده نمی‌تونیم بفهمیم نمی‌تونیم ببینیم اون پولم که

می‌خواهی برای این می‌خواهی که غصه‌ت کمتر بشه حزن‌ت کمتر بشه ترست کمتر بشه که پول داشته باشم خیالم راحت‌تر در حالی که پول این کارو نمی‌تونه بکنه یکی از ثروتمندترین ثروتمند دعای موجود ما به خود من گفت. چند تا کارخونه گفت یه چیزی بگو دلم آروم شه دلت برای چی ناراحتی چی هست گفت می‌ترسم فقیر شم نمی‌دونم چقدر پول داره ها منم نمی‌دونم چقدر یعنی انقدر داره یه چیزی بگو دلم آروم شد نگو یه پولی بده دلم آروم شه ها دل آدم با پول ممکنه آروم بشه اما این بقا نداره. صلی الله علیه و آله یا ابا عبدالله کسی امام حسینو داشته باشه دیگه چیزی کم نداره بفهمیم که نیاز ما به امام حسینیه حسینی بشیم یعنی الهی شدی خدایی شدی عمل امام حسین که حسینی شدن نیست هدف امام حسین اینه که امام حسین حسینی بشیم یعنی هدفمون با هدف امام حسین. یکی بشه و الا عمل امام حسین با عمل امام حسن متفاوت بود اما هدف امام حسین با هدف امام حسن با همه اولیا خداوند انبیا الهی